



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۴۴۶

شنبه ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱

سال نهم

شماره مسلسل ۷۱

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه

۳۰ بهمن ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- طرح صورت مجلس
- ۲- بیانات آقای نایب رئیس دائر بابر از تأثیر از زلزله طرود
- ۳- بیانات قبل از دستور - آقایان: کهید - حمیدیه - وکیل پور - قنات آبادی
- ۴- اعلام تصویب صورت مجلس جلسات ۱۹ و ۲۳ بهمن
- ۵- بقیه بیانات قبل از دستور آقای قنات آبادی
- ۶- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای معاون وزارت دارائی
- ۷- طرح گزارش شورای راجع بمنابع طبیعی موجود در کف دریا و زیر دریا
- ۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ۹ و پنجاه دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

(۱- طرح صورت مجلس)

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه

بل فرانت میشود

(شرح زیر بوسیله آقای ناظر

زاده قرائت شد)

صورت غیبت و دیر آمدگی و غائبین در

ای آقایان نمایندگان در جلسه صبح ۵

بهمن ماه ۱۳۳۱

غائبین با اجازه - آقایان: مشار - احمد

امریزی - حاج سید جوادی - قنات آبادی

علی - اورنگ - دادور - امیر افشار - نوی

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر -

علی - عبدالرحمن فرامرزی - محمد حسین

شانی - راشد - شهاب خسروانی - دکتر ملک

دکتر مصباح زاده

دیر آمدگان با اجازه و زود رفتگان -

آقایان: بهادری ۳۰ دقیقه - دکتر فقیهی

شیرازی ۴ دقیقه - مجدزاده یک ساعت -

تولیت یک ساعت - خسرو قشقائی یک ساعت -

میلانی یک ساعت و نیم - منصف یک ساعت

ونیم - معتمد ده آوندی یک ساعت و نیم -

کهید دو ساعت

دیر آمدگان بی اجازه و زود رفتگان -

آقایان: صراف زاده - شوکتی

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه

نظری هست؟ آقای خسرو قشقائی

قشقائی - بنده خواستم حضورتان

تذکر عرض کنم که چون کمیسیون نفت انتخاب

نشده و اساسنامه نفت راهم دولت بمجلس فرستاده و طبق قانون باید کمیسیون مخصوص نفت ارجاع شود و مهمترین کار مجلس اینست که اساسنامه نفت را رسیدگی و تصویب کند - خواستم از حضورتان استدعا کنم که در جلسه بعد شعب اعضای کمیسیون نفت را انتخاب کنند

نایب رئیس - در هیئت رئیسه مطالبه میشود - آقای مکی

مکی - يك تلگراف بوسیله بنده از پاکستانیهای مقیم آبادان و در اعلامیه به -

مجلس داده شده که عیناً تقدیم میکنم خواهشمندم که دستور بفرمائید که اقدام -

بکنند همچنین يك نامه ای از کارکنان معادن زغال سنگ بوسیله بنده بمجلس شورای

ملی فرستاده شده چون در نتیجه صدور تصویبنامه اخیر در حدود پنجاه نفر از کار

گران معادن زغال بیکار و بدون نان و آب هستند - راهم خواهش میکنم که در

بارهاش اقدام بشود

نایب رئیس - آقای ناظرزاده

ناظرزاده - تلگرافی از بندر عباس

بوسیله جناب آقای مهندس رضوی و بنده

راجع بمطالبی که در مجلس در خصوص

چای گفته شده رسید که عیناً تقدیم مقام

ریاست میکنم تا برای رسیدگی بمفاد آن

بمقامات مربوطه فرستاده شود (صحیح است)

تلگراف دیگری هم از کارمندان

ادارات دولتی در جز رسیده که در آن

پیشنهادهای مفیدی شده بنده تصور میکنم

قسمت عمده نگرانیهای کارمندان مورد

نداشته باشد زیرا دولت خود متوجه این موضوع

شده و شاید تصمیماتی اتخاذ شود که

موجب رفع نگرانی کارمندان معادن

باشد (صحیح است)

نایب رئیس - آقای ذکائی

ذکائی - صریحاً ای است بامضای عمده

کثیری از اهالی خلخال بوسیله بنده رسیده

است که از نداشتن راه شکایت کرده اند که خواستم تقدیم مقام ریاست بکنم نایب رئیس - آقای محمد ذوالفقاری ذوالفقاری - نامه ایست که افسران بازنشسته توسط اینجانب تقدیم مجلس شورای ملی کرده اند خواستم استدعا بکنم از مقام ریاست که چون مرجعی که بنظر من باید رسیدگی بکنند یا بنکار کمیسیون نظام است دستور بفرمایند البته کمیسیون نظام و کمیسیون عرایض که بعقبه بنده صلاحیتش بیشتر است بعرایض این افسران رسیدگی بکند و جواب بآن

نایب رئیس - بسیار خوب - آقای پور سر تیب

پور سر تیب - در عرایض جلسه قبل بنده چند اشتباه چاپی رخ داده است که تصحیح میکنم و تقدیم میکنم ولی موضوعی که می

خواستم عرض بکنم اینست که در جلسه گذشته طی بیانات آقای مهندس رضوی اشاره

شد بدو سه نفر کلای خائن در مجلس که در بیانیه دولت هم بود چون این افراد

معرفی نشده اند هر کس به دیگری سوءظن میرسد و اینکار تولید اشکال کرده بنده می

خواستم استدعا بکنم که وکلای خائن معرفی بشوند تا ملت ایران آنها را بشناسد

و اگر دلائلی هست برای خیانت اینها این

دلائل داده بشود و مجلس هم از اینها طلب مصونیت بکند و تعقیبشان بکند و اگر

هم این موضوع نیست از مجلس رفع توهین بشود

نایب رئیس - آقای گنجی

گنجی - تلگرافی است از بازار کانان

ایرانی مقیم ترکیه که تقاضای تسریع در

تصویب قرارداد ترانزیتی بین ایران و ترکیه

را دارند چون چو در زمین هم در کمیسیون

ها تمام شده است خواستم از مقام ریاست

تقاضا کنم که در جلسه آینده مطرح بشود

(صحیح است)



**نایب رئیس** - آقای مهندس غروی  
**مهندس غروی** - دو طومار است از طرف چاپکاران شمال رسیده است تقدیم مقام ریاست میکنم  
**یک نفر از نمایندگان** - راجع به چیست؟

**مهندس غروی** - راجع باینکه جای زیادی وارد نکنند مردم بیچاره نشوند، بدبخت نشوند  
**آقا (صحیح است)**  
**نایب رئیس** - چون قرارداد ترانزیت ایران و ترکیه در کمیسیون کارش تمام نشده آقای گنجینه نماینده محترم توجه خواهند داشت که تا تمام نشود بمجلس نخواهد آمد.

**گنجینه** - در کمیسیون خارجه و کمیسیون راه کارش تمام شده.  
**نایب رئیس** - در کمیسیون قوانین دارائی تمام نشده.

**گنجینه** - مربوط بکمیسیون دارائی نبود بنده نمی دانم چرا آنجا انداخته اند اگر مقصود این است که در دست انداز بیندازند آن حرف دیگری است.  
**فریادان** - اجازه مبرم نمید؟  
**نایب رئیس** - بفرمائید.

**فریادان** - این قرارداد ترانزیت یک مواد مالی داشت که حتماً باید برود بکمیسیون قوانین دارائی بنده این تذکره را در کمیسیون خارجه دادم و بهمین جهت هم ارجاع شد است به کمیسیون قوانین دارائی

**نایب رئیس** - قای امامی اهری  
**امامی اهری** - در مورد همان تلگرافی که قای که اشاره کردند باغب نمایندگان در بایجان این تلگراف رسیده است و موضوعی که باید مورد توجه قرار بگیرد اینست که از مجلس لایحه باید بکمیسیون ارجاع بشود و این بنا بر تشخیص رئیس مجلس و مجلس است و آن موقع که این لایحه

تقریم شده به دو کمیسیون راه و خارجه ارجاع شده است و ارجاع آن بکمیسیون دارائی که از کمیسیون ارجاع صورت گرفته از نظر قانونی بنظر من بی اشکال نیست (گنجینه)  
 از کمیسیون خارجه نشد، از کمیسیون راه ارجاع شده (و بنا بر این ارجاعش بکمیسیون دارائی موضوع نداشته و با در نظر گرفتن اینکه این موضوع با حیات تجاری و اقتصادی آذربایجان ارتباط دارد استدعا میکنم که توجهی بشود (صحیح است) و یک موضوع دیگری الان آقایان نمایندگان آذربایجان حضور داشتند یک عهده از تجار آذربایجانی که اینها از وارد کننده گان جای هستند آمده بودند اینها در شان اینست که در مقابل

فرش و مغز بادام و خشکبار و امثال اینها قبل از مقررات فعلی و قبل از صدور تصویب نامه جای آورده اند و این مال التجاره مربوط بمملکت است.  
 اینها میبوسند از بین میرود فاسد می شود، قانون هم عطف باین سابق نمی شود خواستیم

که در این مورد هم توجه شود.  
**نایب رئیس** - بنده تذکره دادم که لایحه مربوط بقرارداد ترانزیت ایران و ترکیه بکمیسیون دارائی رفته و لازم هم بود که با آنجا رجوع شود.

**گنجینه** - موضوع مالی نداشت آقای رئیس توجه نفرمودند.  
**نایب رئیس** - در هیئت رئیسه مطالعه شده و بان کمیسیون ارجاع شده.

**گنجینه** - حالا دستور بفرمائید زودتر از کمیسیون برگردد بنده مجبورم در جلسه آینده در این مورد عرضی بکنم.  
**نایب رئیس** - بسیار خوب تذکره داد می شود که در اینکار تسریع بکنند چون فعلا عده برای رأی کافی نیست تصویب صورت مجلس به بعد موکول می شود.

**۲ - بیانات آقای نایب رئیس دکتر بابازاده**

**نایب رئیس** - قبل از اینکه بنطقهای قبل از دستور پرداخته شود تذکره عرض نمایندگان محترم میرسانم که تعطیل جلسه قبل با احترام ارواح شهدای زلزله طرود بوده است (صحیح است) و همانطور که با شرکت در مجالس سوگواری و همچنین با تعطیل جلسه علنی مجلس شورای ملی تأثیر شرکت کامل خود را در این واقعه اسف انگیز ظاهر کرده اند بدیهی است در تأمین وسایل آسایش بازماندگان و همچنین ترمیم و تعمیر مجدد قصبه طرود که باید از نوساخته و برای آیندگان باقی گذاشته شود (صحیح است) مجلس شورای ملی کمال علاقمندی را دارد و در این قسمت اقدام فوری و مؤثر دولت را خواهان است. جلا نطق های قبل از دستور شروع می شود. آقای

**۳ - بیانات قبل از دستور آقایان: حمیدیه - وکیل پور - قنات آبادی**

**عکس** - بنده اخطار نظامنامه ای دارم.

**نایب رئیس** - بفرمائید  
**عکس** - ماده ۲۲ آیین نامه داخلی مجلس که راجع بانتهاب کمیسیونهای گوید چون یک بیانی آقای قشقائی فرمودند برای اینکه سابقه ای ایجاد نشود خواستم این ماده را تذکر بدهم که این یک چیزی است که سابقاً هم در مجلس بوده و جلسات مجلس هم بواسطه نداشتن کار تعطیل می شود در صورتیکه یکی از مهمترین وظایف اصولی داخلی مجلس اینست. فقط هیئت رئیسه در تعداد اعضای کمیسیونها می تواند اظهار نظر بکند.

**نایب رئیس** - اینکه عرض حکورم مطالعه نمی شود در هیئت رئیسه برای این بود که اگر لازم باشد نظر مجلس شورای ملی گرفته شود در هر صورت مطابق قانون

عمل خواهد شد. آقای کهید بفرمائید  
**کهید** - مطالبی که امروز به سمع شریف نمایندگان مخصوصاً دولت میرسانم بسیار ضروری است البته آقایان محترم استحضار دارند که لایحه تشویق صادرات با حسن نیت تمام بتصویب جناب آقای نخست وزیر رسیده و در چند جلسه قبل هم بنده مختصراً اشاره نمودم که این لایحه با مطالعه کامل تدوین نگردیده و آنطور که باید و شاید در تهیه آن دقت کامل بعمل نیامده و معایبی دارد اخیراً عده زیادی مخصوصاً بازرگانان صادر کننده و وارد کننده به بنده مراجعه و معایب لایحه مزبور را گوشزد نموده اند که آنها را خدمت جناب آقای نخست وزیر هم عرض و وعده فرموده اند که آن را اصلاح نمایند. طبق تلگرافات و اطلاعاتی که اخیراً باینجناب رسیده و مراجعاتی که عده بی شماری از بازرگانان صادر کننده و وارد کننده باینجناب نموده اند معلوم می شود که در بعضی از کشورها نسبت باتباع ایرانی سخت گیری هائی میشود و اشکالاتی در کار آنها بوجود آمده که بالنتیجه به زیان و ضرر کشور و اتباع ایرانی تمام میشود.

خواستم اولاً کشورهای خارجه را که با ما دم از روابط دوستی و حسنه میزنند مستحضر دارم که بهتر است به اتباع خود گوشزد نمایند که این ادعای حسن نیت را اقل اولو در ظاهر هم باشد رعایت نمایند. ثانیاً باتباع آنها به خصوص به بازرگانان خاطر نشان می نمایم که منظور از تصویب این لایحه که از طرف جناب آقای دکتر مصدق موقتاً و بعنوان آزمایش تصویب شده برای کمک به بازرگانان خارجی و حمایت از بازرگانان ایرانی است نه اشکال تراشی جهت بازرگانان خارجی و اشکالاتی در کار بازرگانان و شرکتهای با سابقه ایران فراهم گردد دولت ایران باید عملیات متقابل انجام دهد یعنی هر گاه در کشوری نسبت باتباع و بازرگانان و شرکت های ایرانی اشکالاتی فراهم میشود دولت ایران مکلف و موظف است که بهمان نحو معاملات متقابل را نسبت باتباع همان کشورها موقع اجرا گذارد منظور از این تسهیلات که چنانچه عرض شد با حسن نیت تمام تدوین شده است این نبوده است که خدای نکرده اتباع خارجه و سائلی فراهم آورند که دست اتباع و شرکت های ایرانی از ادامه کارهای بازرگانی بمانند کی هائی را که دارا هستند کوتاه گرداند البته لازم نیست تمام آنها بیش از این در این خصوص سختی بگیریم.

بدیهی است هر گاه جلو این عملیات که قطعاً از طرف یک عده استفاده جو بعمل میاید گرفته نشود مجبور خواهیم بود که جزئیات را عرض رسانم و از دولت تقاضا کنم که نگذارند حق بازرگانان و شرکت های ایرانی پایمال و زحمات آنها بهدر

رود این عرض بنده بود بقیه وقت را  
**آقای شمس قنات آبادی** تقدیم میکنم ضمناً نامه ای هم از طرف کارمندان مخصوصاً کارمندان جزه رسیده است تقدیم میکنم بمقام ریاست و استدعا میکنم که باین قسمت ترتیب اثر بدهند که شب عید مستخدمین بحقوق حق خود برسند (صحیح است) و آقای شهیدی یادداشتی فرستاده اند که نسبت شدگان چهارم مهرماه اصفهان که تاکنون اموال آنها مسترد نشده و در تهران سرگردان است اقدام جدی بعمل آورد این را تقدیم مقام ریاست میکنم و بقیه وقت را بابت قنات آبادی تقدیم میکنم

**نایب رئیس** - آقای قنات آبادی

جناب عالی در خاتمه وقت آقایان است می فرمائید. آقای حمیدیه بفرمائید  
**حمیدیه** - آقایان نمایندگان محترم. بر خاطر خطیر گرامی پوشیدن که بنده تا کنون هیچگاه در صدر نبودم که وقت مجلس را به ریاض خود تضييع کردی ولی اکنون واجب می دانم که بخلاف حقایق چند را که در گفتن آن

مملکت و ملت منظور است بسمع شریف آقایان برسانم و چند دقیقه از وقت گرانبه مجلس مقدس را با اظهارات خود دارم.

اهمیتی که وزارت فرهنگ در دارد. از بس بدیهی است از شرح و بیان نیاز است همین وزارتخانه است که کلبه شئون و امور فنی و اداری کشور متخصص و کارشناس درستکار تربیت هر یک از آنها را پس از فراغت از علم و عمل های مخصوص خود بکار ببقیمه بنده که دارم هیچکس از آقایان با آن مغال

نباشند شرط اساسی حصول این نیست که در کلبه مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی نظرهای سیاسی و مسلکی یک ترک شود و توجه محصل و معلم تنها بتعلیم معطوف گردد لیکن بسیار متأسف است که اکنون این اصل مهم رعایت نمیکنند و هر روز در مراکز پدیدادب زادر آن آموخت دسته ای از حزب و جماعتی از گروه مخالف بکار رباباد دشنام و ناسزا میگیرند و از این در جایگاهی که باید معبطان و امانت و آرامش باشد هیچگونه توجیه و هر اسب و مغز بکدیگر میگویند و اینست نقص غرض.

دارو سب درد شد اینجا چه باید زائل شدن عارضه و صحت بیمار شاید گفته شود که چون دانش هنوز درجات علمی و فنی را چنانکه نسوده اند و توانائی تشخیص بکم صلاح و فساد را نیز ندارند این



بخشودنی است در جواب باید گفت  
 از این جهت نیست زیرا باید نظم و ترتیب  
 به باندازه ای رعایت شود که مجال  
 بر سخن اندیشه های تباه و افکار غلط را  
 بکس ندهد اما بهر حال اگر بر فرض  
 حال اجازه دهیم که اینگونه لغزشها از  
 سالان و جوانان کم تجربه خرد و حقیر  
 بخور عفو و اغماض شمرده شود مسلم  
 است که از مریبان و زعمای وزارت فرهنگ  
 عمل پذیرفته نیست و اینجاست که زبان  
 بر لنگ است و دست بهانه کوتاه آری  
 پایان محترم اخیراً معمول شده است که  
 مدارس برای ابقاء آقای دکتر آذربایجان  
 طبع امضاء میگیرند (صحیح است) و از اینکه  
 ن طرز عمل مخالف آزادی و حریت  
 میباشند اشخاص است باک ندارند بسیاری  
 اولیاء اطفال ببنده مراجعه کرده و می  
 گویند کار ازدو حال بیرون نیست یا ایشان  
 این رسم جدید بی خبرند یا این عمل به  
 شور و رضا و صوابدید ایشان انجام می  
 برد بر فرض اول آگاه نبودن وزیر مسئول  
 اوضاع نامطلوبی که پیشرفت تعلیم  
 تربیت را در مدارس بکلی مختل میکند  
 لافل متوقف میسازد نشانه غفلت و سهل  
 کاری و برهان توجه نداشتن بمسئولیت  
 ملاتی خویش است و در صورت ثانی  
 بعرض کنم !!

بنده نظریات آقایان اولیاء اطفال  
 تأیید و تصدیق میکنم و معتقدم که هر چه  
 و در تیریشانی اوضاع فرهنگ خاتمه  
 داد و آرا سر و سامانی بخشید.

آقایان نمایندگان محترم خواهشمندم  
 و اندازید که بر اثر این اختلافها  
 تهدیدها و تطمیع ها تعلیم و تربیت اینها وطن  
 از بچه هوی و هوس و ملعبه اغراض و سماجت  
 جاه پرستی شود و رفته رفته شیرازه امور  
 فرهنگ چنان گسیخته گردد که دیگر بیوند  
 اصلاح آن امکان نیابد و حکم نوشداری  
 پس از مرگ باشد.

نوشدارو که پس از مرگ بسرهرا بدهند  
 عقل داند که بدان زنده نگردد سهراب

در باره طرز تشکیل شورای عالی  
 فرهنگ که از نظر ترویج ادب و زبان  
 شیوای فارسی و حفظ آثار گرانبهای  
 گذشتگان و نشر علوم عالیه عصری و تربیت  
 علمی و اخلاقی و ملی وظایف بسیار مهمی  
 بر عهده دارد با اجازه آقایان در موقع خود  
 بحث خواهم کرد و از خداوند متعال خواهانم  
 که نظرهای بنده بردلائل و براهین استوار  
 منک باشد.

اصولاً باید دید که هر وقتی تمام کار فرهنگ  
 در کسبیکه سالها پایه تعلیم این کشور  
 روی دوش آنها بوده بعنوان اعتراض استغناء  
 می دهند باز هم آقای دکتر آذر که معلوم نیست  
 از جهت اخیراً فرهنگی شده اند برای  
 دست آورد بانواع نشیئات نا روا که هر  
 کدام از نظر فرهنگی وجه از نظر اجتماعی

و اخلاقی مضراست دست میزنند.  
 آقایان با کمال تأسف باید عرض کنیم  
 که در شرایط کنونی تمام انتظامات ورشته  
 های فرهنگی از هم گسیخته شده و عده بعنوان  
 طرفداری از وزیر فرهنگ مدارس را میدانند  
 تاخت و تاز قرار داده اند و بالاخره تمام برنامه های  
 فرهنگی را کدو چرخها باز ایستاده تاد کتر آذر  
 چند صباحی بیشتر بر مسند وزارت تکیه  
 زند.

آقایان نمایندگان بدبختی و عقب افتادگی  
 ما از اینجا شروع میشود که حاضر نیستیم آنجا  
 که نمی دانیم و بی خبریم کنار برویم و جای را  
 بدیگری که آشنا و کار کرده است بسیاریم  
 نتیجه این حس جاه طلبی و مقام پرستی اینست  
 که امروز نمونه های بارز و گویای آنرا  
 مشاهده میکنیم

باری بنده معتقدم که باید نظر کارمندان  
 صدیق و درستکار که سالهاست در پشت میز  
 های وزارت فرهنگ یلدر بیفوله هائی بنام  
 کلاس درس داده و انجام وظیفه نموده اند  
 محترم شمرد و بیهوده بقوائی که نتیجه آن  
 تنزل و انحطاط فرهنگ است متوسل نشد.  
 من شنیده ام آقای وزیر فرهنگ دکتر  
 بیرجندی رئیس اصل چهار در فرهنگ را واسطه  
 قرارداد کرده با مستزوارن ملاقات و نامبرده  
 وسیله تثبیت و ابقاء ایشان فراهم آورد

آقایان واقعاً خجلت آور نیست که  
 وزیر فرهنگ برای موفقیت خود تا این اندازه  
 باین و آن توسل جوید ؟

اما از فرهنگ که بگذریم با کمال تأسف  
 مشاهده میکنیم که این فساد و تباهی کم و بیش  
 دامنگیر تمام مؤسسات گشته و تقریباً تمام  
 دستگاههای دولتی را فلج کرده است.

این روزها موضوع تصفیه در ادارات  
 صورت نامطلوبی بخود گرفته و حاصلی جز  
 وسیله تحریک برای دشمنان نهضت ملی مردم  
 ایران و مخالفین حکومت ندارد.

بنظر من نباید کارمندان وزارتخانه ها  
 را متزلزل و ناراحت نگاهداشت زیرا با همه  
 فشارهای شدید اقتصادی که دولت امیر یالیست  
 بر کشور ما وارد ساخته است دولت بمستخدمین  
 فعلی در آتیه احتیاج خواهد داشت و چه بهتر  
 که بجای متزلزل نگاهداشتن کارمندان برای  
 آنها کار فراهم نماید زیرا دولت وقتیکه  
 حقوق همه کارمندان را میبرد از دستایسته نیست  
 که از وجودشان استفاده نکرده و نیروی آنان را  
 عاطل و باطل نگاهدارد

بجای این کمیسیون بازیها و وزارتخانه  
 ها میشوند بحساب ثروت کارمندان خود  
 رسیدگی کنند و هر کارمندی را که عواید  
 خارجی دارد از گرفتن حقوق دولتی محروم  
 نماید زیرا این مستخدمین بالایق است یا بالایق  
 اگر بالایق است چه بهتر که شر او از سر دولت  
 و مردم کوتاه شود و اگر بالایق است با سرمایه  
 و نیروییکه در اختیار دارد کارهای تولیدی  
 ایجاد و عده را هم از بیکاری نجات خواهد

داد  
 تصفیه اگر باین طریق عملی شود مفید  
 است و الا چنانچه مانند همیشه بسراغ عده ای  
 کارمند شرافتمند و بی بازاری که فقط با حقوق  
 اداری ارتزاق مینمایند رفته و هائله آنها را  
 پریشان و خودشان را از جان گذشته نمایند  
 از هر عامل دیگری بیشتر مایه هرج و مرج و  
 آشفتگی و عدم رضایت میگردد

برای مثال اگر طبیبی بخواهد عضو فاسد  
 بیماری را قطع کند اول باید ببیند واقعا  
 لازم است که این عضو قطع گردد یا نه ؟ اگر  
 آن عضو باعث فساد سایر اعضای بیمار و نابودی  
 مریض میشود باید آنرا فوراً جدا کرد  
 نه اینکه در اثر عدم توجه بجای دفع فساد  
 گذشته از آنکه عضو فاسد ارتباط خود را  
 با سایر اعضاء حفظ می کند مریض را هم رو  
 بمرگ خواهد کشاند و اینجاست که باید گفت  
 بر استی اگر طبیبی توانائی قطع عضو فاسد  
 را ندارد بهتر است که مریض را بمرگ سوق  
 نهد.

حال آقایان وزراء هم که توانائی تصفیه  
 را ندارند و بجای راندن نور چشمیها چرخ دنده  
 های قانون تصفیه را روی ستون فقرات کارمندان  
 بی وسیله و ضعیف گردش خواهند داد بهتر  
 است سخن از تصفیه بمیان نیاورند و اسباب  
 رنجش و نگرانی کارمندان را فراهم نکرده  
 و تشنج تازه ایجاد نکنند زیرا کارمندان  
 دولتند که همواره نقش مؤثری در پیشرفت  
 نهضتها بر عهده داشته و در کلیه قیامهای مات ایران  
 مردانه پیشقدم بوده اند (صحیح است) (میرا شرافی -  
 آقای حمیدیه راجع با قسرا ن ارتش هم بفرمائید)

چشم بنابر این سزاوار نیست که بجای پرداخت  
 اضافات و ترفیحات آنان در این شب عید که  
 عائله شان فقط با چشم دوخته اند نمک بر  
 جراحاتشان اشیده شود آقایان ما باید کاری  
 کنیم که ارواح پسرانمان آزرده نگردد  
 قانون اساسی یگانه و دایه ایست که آنها  
 بپاسپرده اند.

خودشان جانها را بکف نهادند و شهید  
 شدند تا امروز فرزندان آنها در چنین مرجع  
 مقدسی بتوانند از حقوق خویش دفاع کنند  
 خیانتی که از پایمال کردن خونیهای اجدادمان  
 یا بنحوی پیرایه بدان اضافه شود و تفسیرات  
 در آن بعمل آید خود امری واضح است  
 و کردار در پشت این تریبون بدروغ با حقیقت  
 از آن سخن رفته است اما یک نگاه عمیق ما  
 را متوجه حقایق میکند مفروضین جمع شدند  
 تا سازمانی برای وزارتخانه ها بوجود آورند  
 تمام موازین قضائی و حقوقی را زیر پا  
 گذارند و تنها پیل و هوی خود بدون در  
 نظر گرفتن قانون و اثبات جرم عده ای از  
 افسران جوان و تحصیل کرده و کارمندان  
 مقید را از کار بر کنار کردند و بیکباره  
 بروی زحمات اغلب قضات شرافتمند و افسران  
 ملت دوست و مبین پرست و سایر اعضاء با تجربه  
 و درستکار خط بطلان کشیدند.

آقایان این دستهایی که در کار است و

تخم یأس و بدبینی می پراکند باید شناخت و  
 مردم معرفی کرد و دست آنها را برای خرابکاری  
 بیشتر باز نگذارد.

مطلب دیگر اینست که در مراغه روزنامه ای  
 با اسم ندای زهنما منتشر می شود که در  
 شماره ۱۸ مورخ ۷ بهمن خود چیزهایی نوشته  
 بود که مفار آن باین طریق خلاصه میشود  
 ما کوشش و مبارزه کردیم و از ناکامی  
 ها نهراسیدیم و و کلای ملی را به طهران  
 فرستادیم اما آنها و چکترین کاری انجام  
 نداده اند بنده از پشت این تریبون با آقای مدیر  
 محترم روزنامه و تمام موذلیش خود اعلام می  
 کنم و بایشان یادآوری می نمایم که من همان  
 و کیلی هستم که در پایان دور گذشته بیان  
 عملیات خود را برای مردم نجیب آن سامان  
 مفصلاً بیان کردم اما اکنون همانطوریکه  
 عرض شد چرخها زنگ زده و دستگاهها فلج  
 است.

با نام تذکرات و مراجعات مکرر من  
 درباره چند مورد ذیل که ارتقا ضاهای جاری  
 و فوری اهالی آنجاست با عدم توجه و دفع الوقت  
 بر گذار شده است

۱ - موضوع اتصال راه آهن  
 آذربایجان بمراغه که خود از نظر اقتصادی  
 و اجتماعی حائز اهمیت شایانی است و تمامی  
 آن بیس از پیش میلیون تومان خرج ندارد و  
 معوق مانده آنچنان تعویقی که تذکرات  
 متعدد اینجناب و سایر نمایندگان محترم  
 آذربایجان نیز مؤثر واقع نشده است

موضوع دوم مسئله علاج کم آبی  
 مراغه است که بنده علاوه بر اینکه تذکرات  
 بسازمان برنامه رجوع کرده ام و بدولت  
 کتبا و شفاهاً تذکر داده ام اقدامی بعمل  
 نیامده بخصوص اینکه بمالنی کراف سابقاً  
 خرج سد کامل آباد شد و اکنون نیز بیش  
 از ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان تعمیر آن خرج  
 لازم ندارد ولی بهمان صورت سابق باقی  
 مانده.

بانوجه اینکه سد مزبور کم آبی  
 مراغه را کاملاً جبران می کند و در بالا بردن  
 میزان تولید و ازدیاد محصول تأثیر فوق العاده  
 دارد و همچنین دهها دهنه از سازمان برنامه  
 تقاضای حفر چند حلقه چاه عمیق در مراغه نموده که  
 همگی بامروز فردا وا گذار شده است

نایب رئیس - آقای حمیدیه از وقت  
 شما کمی باقی مانده است

حمیدیه - الان تمام میشود همچنین  
 تقاضای مردم میان دو آب یاد آور می شود  
 که اهالی خواهند عرصه میان دو آب که  
 بصورت شهرستانی در آمده بخود آنرا  
 وا گذار شود و در این مورد چه بسیار زحماتی  
 که متحمل شده اند اما حالا که می خواست  
 صورت عمل بخود گیرد اداره کل خالصه  
 در نظر دارد این وا گذاری را محدود بخانه  
 و مستغلات و مخیضیری از اراضی نماید در حالی  
 که نظر بنده و کلیه اهالی و آگاهی مردم  
 تمام اراضی آن ناسبه بخود مردم است



تأثیر این عمل از نظر مبارزه بایکاری و فقر و همچنین بالا رفتن سطح تولیدی خودامری بدیهی است

اینهاست قسمتی از خواسته های مردم مراغه که کرازا بمراجع دولتی تذکره داده شده و بابت توجهی خاصی در بومه فراموشی گذارده اند.

آینک باردیگر این تقاضاها را از پشت این تریبون بگوش دولت و نمایندگان مردم می رسانم و توجه مخصوص دولت را ببلزوم اجرای آن جلب و یاد آور میشوم و خاطر نشان می سازم که مردم مراغه و هموم اهالی آذربایجان بابت صبری هر چه تمامتر در انتظار اعمال و توجهات دولت هستند.

نمایندگان محترم بخوبی آگاهند که ما فقط برای خدمت مردم باینجا آمده ایم که در خلال آن وظایف بس مهم و خطیری را بعهده داریم از جمله حفظ و حراست قانون اساسی است.

ما موظفیم که این ودیعه گرانبهرا تا پای جان حفظ کنیم و بعد بآیندگان بسایریم هیچ مانع و رادعی ما را از این وظیفه مقدس باز نمیدارد تنها از یک چیز هراس داریم و آنهم خدای نکرده نفرین آیندگان بما خواهد بود.

در خاتمه توفیق نمایندگان محترم و دولت را در اصلاح وضع درهم و نابسامان فرهنگ و تعقیب بخشیدن بمسئولیت مردم مراغه خواستارم.

برای نمونه اینهم کارت عضویت آقای رجائی رئیس دفتر آقای دکتر آذر در حزب بوده که آقایان ملاحظه بفرمایند

(کارتی را ارائه دادند)

گرمی - از دکتر آذر هیچکس راضی نیست وزارت فرهنگ خیلی خراب است.

وزیر فرهنگ حاضر نیست نمایندگان را بشنود (افشار صادقی - از برادرش ژنرال آذر دستور می گیرد) آقایان چرا فکر مملکت را نمیکنید؟

یک وزیر دیوانه را آورده اند باینکه مملکت را از او پشتیبانی می کنند وضع مملکت را باین روزانداخته اند فرهنگ که باز چه نیست

حمیدیه - اینهم یک نامه است که از مملین تبریز رسیده است که شکایت دارند و بمرایضشان توجهی نشده است. برای اقدام تقدیم مقام ریاست می کنم (صحبیح است)

نایب رئیس - آقای وکیل پور

وکیل پور - قبل از شروع بمرایض خود مقدار زیادی طومار است که از طرف کارمندان دولت بیک قسمت بوسیله جناب آقای ربیکی رسیده است که تقدیم میکنم از طرف کارمندان ادارات دولتی بنادر و از طرف کارمندان ادارات دولتی نیشابور

از طرف کارمندان ادارات دولتی لنگرود، از طرف شورای هیئت نمایندگان کارمندان وزارتخانه ها بیک مقداری هم هست که بتوسط خود بنده رسیده از طرف کارمندان ساری از طرف کارمندان ادارات دولتی شهرستان شوشتر و بیک طومار دیگری است

از طرف کارمندان ادارات دولتی اهواز یکی از طرف کارمندان شهرستان ساری است از طرف کارمندان شهرستان شاهی از طرف کارمندان نیشابور از طرف کارمندان شهرستان شوشتر و بیک طومار دیگری است که از طرف کارمندان ادارات دولتی اهواز است و همچنین از طرف کارکنان فرهنگی نطنز و همچنین از (خیلی عذر میخواهم که یاد داشت نکرده ام)

نمیدانم از کجاست و همچنین از طرف کارمندان دون پایه و خدمتگزاران جزء حوزه قم و همچنین طوماری دیگری هم هست و تلگرافی است از گناباد که همه را تقدیم مقام ریاست می کنم و طوماری است که از طرف کارمندان گمرک رسیده است

که تقدیم مینمایم و این جمله را من در باب کارمندان دولت اضافه میکنم که حقیقه رفتاری که با کارمندان شده است بسیار بد بوده و هر کس که مدعی است که این دستگاه و این لایحه سازمانی بنبفع کارمندان بوده است یا مبتنی بر عدالت و یا مبتنی بر مصلحت مملکت بوده است از پشت این تریبون اورادعوت می کنم که بامن مناظره کند من حاضر هر کس که بخواهد به

گوید این کار بنبفع مملکت بوده است ثابت کنم که برخلاف عدالت و برخلاف انصاف مروت و برخلاف مصلحت بوده است (صحبیح است) و من استدعا می کنم که دولت و مخصوصاً شخص جناب آقای دکتر مصدق که مبینم که در این اواخر کمال مجاهدت و مراقبت را دارند که باین لایحه وضع خوبی بدهند که از این نگرانی و تشویش کارمندان را راحت کنند توجه کاملی باین موضوع بفرمایند

آقا نمیشود در این دوره ای که تمام قوانین اجتماعی و تمام نظامات اجتماعی برای اینستکه امنیت خاطر مردم را تأمین کنند ما قوانینی را وضع کنیم که روز بروز موجبات تزلزل و اضطراب کارمندان را بیشتر کنیم اینستکه استدعا می کنم و امیدوار هستم که دولت بیک فکر عاجلی در باره این آقایان بکنند در ضمن نکته های دیگری را می خواهم عرض کنم ولی

مبتصرم وقت کفایت نکند اینستکه باصل مطلب میپردازم.

اولین باری که از پشت این تریبون عرضی بسمع آقایان محترم نمایندگان رسانیدم مربوط بانقاداز سازمانهای دولتی بود اکنون که در باره سازمان وزارت خانها و تقسیمات کشور تصمیماتی اتخاذ شده و یا میشود ضرورت دارد مطالبی در تأیید

مرا بصری قبل عرض بوسانند

سازمانهای دولتی خاصه در ممالکی که سطح معرفت عمومی بالا نیست و روح اصلاح طلبی و ترقی خواهی آنطور که باید و شاید زشده و نمو نیافته و اختلافات طبقاتی بسیار زیاد است حائز کمال اهمیت میباشد و اگر گفته شود که سبب اقوای اصلاح و بهبود وضع مردم است مبالغه نیست اما به شرط اینکه شرایط لازم و کافی جهت تأمین این مقصد عالی در آن سازمان رعایت شده باشد و گرنه بروز تشکیلات فعلی مملکت ما درمی آید که نه فقط متضمن آیری برای مردم نیست بلکه آثار شری هم بر آن مترتب است که بقتب افتادگی و بیچارگی مردم کمک می کند

شاید وجود این تشکیلات در مملکت مانع از علاقه بحفظ سنن باستانی باشد یعنی همانطور که در دوران قدیم از طرف شاهنشاه ساتراپهایی برای نواحی مختلف مملکت تعیین میشده که رابطه آنها بامرکز دادن خراج و در وقت ضرورت بسیج افراد برای جنگ بوده است و حکام جزء و کلانتران محلهای تابع ساتراپ نشین تیره تیره خود پول و قشون برای ساتراپ میفرستاده اند

اکنون نیز همچنان تقسیماتی شبیه آنروز مجری و معمول است باین تفاوت که تقسیمات و تشکیلات فعلی مخلوطی از رسوم قدیم و رسوم معمول دنیای امروز است که در واقع نه رنگی رنگ و نه رومی روم میباشد و فکر میکنم اگر بواسطه همین شدت استنباط نبود و با اینطرز سازمان انس و الفت قدیم نداشتیم هیچگاه تن بقبول و ادامه چنین تشکیلاتی نمی دادیم برای اینکه هر

انسان عاقل و هر اجتماع پیشرفته ای هر کاری را انجام میدهد بخاطر منافع و فوائد است و اگر خالی از فایده باشد گرد آن نخواهد گشت تا چه رسد باینکه ضرر هم داشته باشد و مخصوصاً کارهایی از قبیل کارهای عمومی دولتی که آنرا خیر و شر آن درزندگی تمام افراد ملت نفوذ یافته و در نسل های متعدد باقی و برقرار خواهد ماند

برای اینکه معایب و نواقص تشکیلات فعلی ذکر شود وقت بسیار طولانی لازم دارد که هم از لحاظ طرز تقسیم وظائف و هم از نقطه نظر افرادی که موظف بانجام آن وظایف هستند جزء بجزه توضیح شود اما برای رعایت اختصار در اینجا فقط از لحاظ تقسیم سازمان موجود بواحدها و روابط آنها باهم مطالبی عرض میکنم و چون این قسمت مبنای اصلی هر سازمانی است لذا

اصلاح این قسمت در سایر قسمتها و جنبه های دیگر سازمانها تأثیر قطعی اطمینان بخش خواهد داشت

تشکیلات فعلی از لحاظ تقسیم بواحدهای متداخل و نودرتو و یا پوست پیازی بعدی بدست که شماره مطالب آن نیز وقت زیادی لازم دارد و در

اینجا فقط بذكر معایب کلی و اساسی اکتفا میشود. ۱- این تقسیمات که مملکت را استانها و هر استان را بمعدادی از شهرت و حوزه های وسیع قسمت کرده است در حکم اینست که افراد مملکت را اعتبار بزرگی و کوچکی محل سکونت قرب و بعد از مرکز بدرجات متفاوت امتیازات مختلفی طبقه بندی کرده است زیرا تجربه نشان داده است که هر چه فاصله سلسله مراتب اداری بامرکز کم باشد حقوق و نصیب افراد از سهمیه عمومی بوجه بهتری تأمین و صیانت میشود بعکس بعکس باین معنی که رابطه مستقیم بین منافع مردم هر محل با فاصله سلسله مراتب اداری آن محل نامرکز وجود دارد و شواهد عذیده بر اثبات این مدعا موجود است

آنجمله اینکه اولاً اعتبارات و سهمیه ها عمومی شهرستانهای تابع مراکز است هیچگاه بدون حیف و میل و کسر و نقص بآنها نمیرسد مثلاً سهمیه قند و شکر در اعتبارات ساختمانی و اقدامات عام المنفعه تا از لابلای احتیاجات پایتخت و مراکز استان و شهرستانها بگذرد دیگر بر قبضات و قراء چیزی باقی نمی ماند

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند بالطبع نسبت به بفرزندان و وضع مرکز آن استان علاقه مندتر هستند نسبت بحوزه های تابع آن که نه در آن سکونت دارند و نه بآن نزدیک هستند طرف دیگر افرادی که در رأس سازمانها کوچک قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

اینجا فقط بذكر معایب کلی و اساسی اکتفا میشود. ۱- این تقسیمات که مملکت را استانها و هر استان را بمعدادی از شهرت و حوزه های وسیع قسمت کرده است در حکم اینست که افراد مملکت را اعتبار بزرگی و کوچکی محل سکونت قرب و بعد از مرکز بدرجات متفاوت امتیازات مختلفی طبقه بندی کرده است زیرا تجربه نشان داده است که هر چه فاصله سلسله مراتب اداری بامرکز کم باشد حقوق و نصیب افراد از سهمیه عمومی بوجه بهتری تأمین و صیانت میشود بعکس بعکس باین معنی که رابطه مستقیم بین منافع مردم هر محل با فاصله سلسله مراتب اداری آن محل نامرکز وجود دارد و شواهد عذیده بر اثبات این مدعا موجود است

آنجمله اینکه اولاً اعتبارات و سهمیه ها عمومی شهرستانهای تابع مراکز است هیچگاه بدون حیف و میل و کسر و نقص بآنها نمیرسد مثلاً سهمیه قند و شکر در اعتبارات ساختمانی و اقدامات عام المنفعه تا از لابلای احتیاجات پایتخت و مراکز استان و شهرستانها بگذرد دیگر بر قبضات و قراء چیزی باقی نمی ماند

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

آنجمله اینکه اولاً اعتبارات و سهمیه ها عمومی شهرستانهای تابع مراکز است هیچگاه بدون حیف و میل و کسر و نقص بآنها نمیرسد مثلاً سهمیه قند و شکر در اعتبارات ساختمانی و اقدامات عام المنفعه تا از لابلای احتیاجات پایتخت و مراکز استان و شهرستانها بگذرد دیگر بر قبضات و قراء چیزی باقی نمی ماند

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد

باینجا تا تشکیلات چنین که هست این معرومیتها برای مردم دور افتاده میباشد و نتیجه منطقی همین تشکیلات میباشد زیرا انسان بحکم غریزه خود خواهی بهر نزدیکی است دل بسته تر میباشد پس افرادی هم که در رأس سازمانهای مراکز استان قرار دارند و تابع مراکز استان میباشند بر فرض اینکه شایق باشند بحقوق مردم حوزه خود را حفظ کرده و هر بیشتر بآنها کمک کنند ولی از آنجا که محکوم حکم رئیس بلاواسطه خود میباشد بیرو و قدرتی ندارند که چیزی را برخلاف رضای رئیس و حاکم بر خود طلب کنند ثالثاً مردمی که در مراکز استان زندگی میکنند خاصه متنفذین آنها عامل مهم هستند که سازمان مرکزی استانرا بتوجه بیشتر بر مرکز استان وادارند و تبعیض ناروایی که طبقات متمتع و محروم را در دورتر نماید موجب شوند پیلاوه که نفوذ کسانی که در هر سازمان مراکز متنفذ باشند مقابل رعایت بتمام حوزه های تابع آن سازمان میباشد یعنی اگر یک دارائی استانی تحت تأثیر نفوذ یک یا چند متنفذ واقع شود لاجرم هیچک از حاکم های تابع آن بکارگیری از آن بی بهره نخواهد ماند پس بیخود قهری و باین ترتیب اساس تساوی حقوق افراد



اصولی مسلم و انکار ناپذیر است مترازل می شود

۲- تشکیلات فعلی و این طرز تقسیمات بهترین عامل فرار دادن جمعیت از شهرستان های تابع مراکز استان و در نتیجه پائین آوردن سطح تولید و تقلیل محصول آن حوزه می باشد زیرا طبیعی است وقتی مردم بینند سکونت در محل کوچک مستلزم تحمل معرومیت است بجای بزرگتر و معمورتر سفر خواهند کرد بعلاوه که در علم اجتماع ثابت شده است که یکی از علل عمده رونق یافتن هر شهر و حوزه ای اینست که مردم آن در اداره امور خویش اختیار بیشتری پیدا کنند و با وضع فعلی کمترین اختیاری برای آنها نیست زیرا سازمان مستقلی در اینجا نیست که بمرمان و آبادی شهر بتواند توجه کند

بنابر این رفته رفته چنانکه اکنون می بینیم شهرهای کوچک از سکنه خالی شده و از رونق و اعتبار می افتد و این خود یکی از بزرگترین مضار این تشکیلات می باشد بدلیل اینکه مطابق تحقیقات و تتبعاتی که در اجتماع شناسی بعمل آمده شهر هادر تکثیر محصول و بالا بردن سطح تولید دهات و حوزه تابع خود اثر بسیار عمیقی دارد بشرط این که بتواند جمعیت دهات و قراء اطراف را بسوی خود جلب کند زیرا مطابق آمار دقیق ممالک مختلف هر قدر جمعیت دهات بیشتر بشهر جلب شود سکنه شهر نشین افزایش یابد آبادی و عمران تولید و محصول زیادتیر خواهد شد و یکی از دلایل این موضوع اینست که محیط شهر مقتضی سوق دادن افراد به طرف تخصص و مهارت می باشد و احراز تخصص و مهارت قطعاً راندمان کار را بالا میبرد و همین مناسبت است که در هر مملکتی بهمان نسبت که به جمعیت شهرها افزوده شده بهمان نسبت نیز در استفاده از ماشین های کشاورزی و کودهای طبیعی و شیمیائی اصلاح بذرها و امروزی تسهیل حمل و نقل محصولات زراعتی پیشرفت حاصل شده است که اینک یکی از مهمترین شاخص تشخیص مرفعی بودن یا عقب افتاده بودن هر کشوری تناسب جمعیت شهر نشین و ده نشین آن می باشد مثلاً در اواخر قرن هیجدهم در انگلستان ۲۱ درصد از مردم ساکن شهر هائی بودند که از ده هزار نفر بیلا سکنه داشت در فرانسه کمتر از ده درصد در روسیه و ممالک متحده آمریکا کمتر از ۴ درصد شهر نشین بودند اما از آن بعد جمعیت شهرها رو به افزایش نهاد بطوریکه در آمریکا در فاصله بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ جمعیت شهر نشین از ۶۸ و ۸۰ درصد به ۴۳ و ۸۰ درصد تقلیل یافت و در آلمان در همین تاریخ با حد نصاب جمعیت شهر ۶۰ و ۷۰ درصد از مردم آن به ۲۵ و ۶۰ درصد

پائین آمد و در انگلستان در سال ۱۹۴۱ بانصاب جمعیت شهر به ۵۰۰۰ نفر ده نشین آن به ۲۰ درصد تنزل پیدا کرد البته نباید چنین نتیجه گرفت که اگر روزی جمعیت ده نشین بصر رسیده است و آنرا جمعیت قراقردها هم باید در یک نصاب معینی باقی بماند کما اینکه از ۱۹۳۱ تا چند سال در ممالک مرفعی جهان هم تغییر فاحشی در جمعیت شهر نشین و ده نشین پیدا نشد و خلاصه برای ساکنین ده نیز تعداقلی لازم است

پس با این توضیحات بخوبی معلوم می شود که ادامه این تشکیلات مداخل و توذرتو یا پوست پیازی از لحاظ اینکه رابطه مستقیم شهرستانها را با مرکز قطع میکند و از لحاظ اینکه جمعیت را از آن حدود متواری مینماید و محصول را پائین میآورد چه عواقب شومی در بر دارد و یکی از جهات اینکه مثلاً ۸۰ درصد مردم این مملکت ده نشین هستند همین تشکیلات می باشد

۳- باز تشکیلات فعلی مسئولیت واحدها بدرستی مشخص نیست و راه فرار از این مسئولیت کاملاً باز است زیرا اولاً سازمان های بزرگتر بمنزله سرپوش محاسن و معایب سازمانهای تابع خود هستند باین معنی که یک واحد بزرگ استانی مشتمل بر چندین چندین واحد کوچک شهرستانی است و نسبت بطرز کار آن بحسب اینکه یک واحد کل است قضاوت میشود و با این ترتیب چه بسا که حسن عملیات یک یا چند واحد از آن سوء عملیات واحدهای دیگر و یا اختلال حوزه مرکزی را بیوشاند و یا برعکس سوء عملیات یک یا چند واحد از آن مجاهدات واحدهای دیگر را از میان ببرد و نتیجه منطقی این جریان لوٹ شدن مسئولیت و ایجاد بهانه های متمدن برای فرار از مسئولیت میباشد ثانیاً میزان کار کرد و حساب درآمد و هزینه مؤسسات تابع مراکز استان روشن نیست زیرا غالباً هزینه هائی از قبیل مطبوعات و ملزومات و اثاثیه و خرج سفر و حتی حقوق یک واحد کوچک ممکن است با مخارج اداری مرکز استان مخلوط شود و شاید برخی از درآمد هاهم تفکیک نشود و باین ترتیب تراز نامه صحیحی که مورد اعتنا باشد در هر واحد بدست نمی آید و این خود موجب دیگر برای لوٹ کردن مسئولیت و فرار از آن خواهد بود

۴- تشکیلات فعلی حدود معرفت و شناسائی اولیاء امور مملکت را نسبت با افراد و اوضاع مملکت بسیار محدود میکند زیرا اولاً چون آثار عمل چند واحد بزرگ استانی بیشتر در مرکز متمرکز میشود و خوب و بد آن منحصرأ بر وسای واحدهای استانی راجع میشود لذا بطرز عمل متصدیان امور واحدهای تابع استان و قوفی حاصل نمیشود و در نتیجه معرفت و آشنائی مصادرا امور

در باره کارمندان معدوم بکسانی میشود که با آنها رابطه مستقیم دارند و این امر حسن انتخاب را بسیار دشوار مینماید برای اینکه هر قدر علم و اطلاع راجع باشخص کمتر باشد افرادیکه باید انتخاب شوند ناچار از بین عده کمتری برگزیده خواهند شد و حال آنکه ممکن است در خارج از صنف آنها اشخاصی که شناخته نیستند وجود داشته باشند که صدبار از شناخته هاهما صالحتر و بهتر و مناسبتر باشند ثانیاً طرز تفکر مردم نقاط مختلفه و نوع درخواست های آنها و تشخیص احتیاجات مهمتر و فوری تر ایشان با این وضع تشکیلات قابل تشخیص نیست زیرا همیشه خواسته های آنها افکار و احتیاجات مبرم و ضروری آنها با چند واسطه و با تغییرات متعدد بنظر مصادر امور مملکت میرسد و پیدا است که همین تبییض تا چه اندازه حسن اداره را مشکل کرده و چگونه سد نزکی در جلو حسن تشخیص اولیاء وزارت خانه ها میسازد

۵- تشکیلات فعلی به چوجه برای تربیت کادر کارمندان دولت مناسب نیست و بلکه استعداد را در آنها میکشد نیروی کارشان را به مردم بدهد و اکثرشان را ناراضی کرده و اخلاقشان را فساد متایل میکند زیرا اولاً وقتی اثر کار خوب و بد مستقیماً بنظر اولیاء مملکت نرسد و اگر هم رسیده نتیجه آن مستقیماً عاید عامل عمل نشود طبعاً برای ابراز کمال فعالیت و مجاهدت محرک کافی وجود نخواهد یافت چه بر روز استعداد و پیدا شدن ابتکار مولود احتیاجی است که غیر از محرکی دنبال آن باشد و این احتیاج زمانی پیدا میشود که مسئولیت مستقیم احساس شود چون مسئولیت احساس شد غیر از جاه طلبی و خود نمائی نیز در ایفاء آن مسئولیت همه جا همراهی میکند اما در تشکیلات فعلی بدلائلی که گفته شد مسئولیتی احساس نمیشود تا برای غرض محرک جائی باقی بگذارد پس استعدادها مجال رشد و نمو نمی یابند بعلاوه چون هر کارهندی طالب ارتقاء است بنا بر این اگر رئیس یک واحد مستقل باشد حس جاه طلبی او بهتر ارضاء میشود تا اینکه رئیس همان واحد باشد ولی مستقل نباشد و بنا بر این در صورت پست مستقل داشتن راضی تر بوده و بهتر کار خواهد کرد ثانیاً با اینکه تشکیلات اداری باید بطوری باشد که از نیروی کار افراد حد اکثر استفاده ممکنه را بدست آرد معدک تشکیلات ما برعکس است بدلیل اینکه این تشکیلات توذرتو پوست پیازی طالب تکرار عمل واحد است یعنی یک کار واحد افراد را در محل تکرار و تجدید میشود مثلاً همب قندوشگری که از مرکز برای کازرون فرستاده میشود ابتدا در مرکز بعد در مراکز استان و سپس در کازرون بتوسط عده رئیس از مصرف شدن نیز همین طریق معکوس عملی مراحل می

کند باضافه که عین جنس قابل کادر مرکز استان تخلیه دوباره بار گیری شده بشهرستان مربوط میرود و نتیجه این میشود که هم کارزاند و عیب انجام وهم وقت بیشتر صرف میشود وهم هزینه زیادتیر تعلق میگیرد وهم نیروی کار افراد بیهوده ازدست میرود و بنا بر این هیچوقت میزان کار کرد تشکیلات بعد اکثر ممکنه نخواهد رسید بعلاوه که مسئولیت کم و حساب مخلوط و درهم در پائین آوردن میزان کار کرد فوق العاده مؤثر است

ثالثاً با وجود اینکه تشکیلات باید به تهذیب اخلاق کمک کند وضع ما معکوس است و این سازمان موجود با ابراز حس بدبینی و عدم اعتماد عربده بستان یاد می دهد زیرا تکرار یک عمل واحد در چند محل و ممیزی یک حساب در چند محل در حکم اینست که بر ناظر ناظری بکارند و بر سر ناظر دوم هم ناظر سوم بگذارند تا هر چه بتوانند دزدی یکدیگر را بگیرند غافل از اینکه اینطور کار ناشی از اینست که بجای اصل ابراز اعتماد بدبینی اخذ اختیار شده است و تصور میکنم شبهه ای نباشد که این قبیل سوء ظن ها و بدگمانی ها نتیجه ای جز سوق دادن کارمندان بطرف فساد ندارد و مطمئناً هر چه باشخص اعتماد بیشتر ابراز شود وجدانشان بیدارتر و حسن شرافت و تقوی در ایشان قوی تر خواهد شد

بنا بر این معروضه با کمال اطمینان می توان گفت که این تشکیلات و این تقسیمات محکوم به تغییر میباشد و تغییری که متضمن رفع این نقائص و مشتمل بر فوائد مطلوب باشد تشکیل واحد های مستقل اداری در شهرستانهاست مشروط بر اینکه تا بتوان بر تعداد شهرستانهای کشور افزود البته غرض از واحد مستقل اینست که دیگر عنوان مراکز استان یا مراکز ناحیه از بین برود و هر واحد مستقلی مستقیماً با مرکز رابطه داشته باشد و عنوان مراکز استان از بین برود و بسیار متأسفم که در برخی از تشکیلات اخیر که بصورت لایحه قانونی درآمده و فقط این جهات اساسی ملحوظ نشده بلکه کاملاً در جهت مخالف رفته است مثل تشکیلاتی که آقای لطفی برای وزارت دادگستری داده اند و بسیاری از دادگاه های شهرستانها را منحل و از دادگاه شهرستان بدادگاه بخش مبدل کرده اند و در حقیقت بمنزله قدمهائی است که روی هم ترا برداشته اند اقتراضاتی که ممکن است به تشکیل واحد های مستقل شود اصلاً جواب داده میشود

اولاً ممکن است بگویند اصل مرکز بر اصل توزیع رجحان دارد جواب اینست که بدلائل فوق الذکر خلاف آن اثبات شده است بعلاوه ممالک آمریکا و فرانسه سوئیس و سوئد بسیاری از ممالک مرفعی



دیگر اصل توزیع را اختیار کرده اند و با روح دموکراسی هم سازش دارد  
 ثالثاً ممکن است بگویند برای تمرکز تمام امور واحد های مستقل شهرستانها تشکیلات مرکزی وسیعی مورد نیاز است در صورتیکه تفاوتی نمی کند زیرا با وضع فعلی نیز مال تمام عملیات مرکز است بعلاوه اگر این حرف درست باشد با تقلیل تشکیلات مراکز استان وسعت تشکیلات مرکز را چندین بار جبران می کند

ثالثاً ممکن است بگویند که بواسطه دوری نقاط مختلفه کشور از مرکز کارهائی که محتاج با اتخاذ تصمیم در مرکز است دچار بطوع جریان میشود جواب اینست که در وضع موجود نیز بسیاری از امور برای کسب تکلیف بمرکز مراجعه می شود و کندی جریان آن از لحاظ اینکه مع الواسطه است اقلاً دو برابر میباشد با اضافه کارهائی که فعلاً محتاج با اتخاذ تصمیم مراکز استان است در آن موقع از طرف واحدهای مستقل قابل انجام میباشد

رابعاً ممکن است بگویند برای تصدی امور تمام شهرستانها افراد صالح و مجرب بقدر کافی موجود نیست جواب اینست که اگر چنین باشد ضررش در تشکیلات فعلی بیشتر است زیرا مأمورینی که اختیار و مسئولیتشان کمتر و عدم رضایتشان بیشتر باشد برای فرار از هر سوء جریان فرصت بهتر و بهانه بیشتر دارند اما بعکس وقتی که اختیار و مسئولیت مأمور بیشتر باشد سعی و مجاهدت بیشتر بخرج میدهد بعلاوه وقتی اعتماد بیشتر ب مأمور ابراز شد تمایل بصلاح در او قوت میگردد

خامساً ممکن است بگویند کنترل و بازرسی کار شهرستانها دشوار میشود جواب اینست که اگر بازرسی از طرف مأمورین شهرهای نزدیک انجام پذیر باشد قابل ارجاع ب آنها خواهد بود و اگر نباشد با وضع فعلی توفیری ندارد

**نایب رئیس** - از وقت جنابعالی سه چهار دقیقه باقی است

**وکیل پور** - عرض کنم برای تأیید این عرایض که چون متأسفانه خیلی مفصل بوده و ناچار شدم خیلی تند بخوانم باینکه عادت نداشتم که در پشت تریبون مطالب را از رو بخوانم برای تأیید عرایض عرض میکنم اینکه نسبت ببعضی شهرستانها واقعا ظلم میشود يك آماری از کتاب حقوق اساسی طهران که اخیراً احمد عراقی نام تألیف کرده و بسیار کتاب خوبی است استخراج کرده ام :

در تهران ۲۹ بیمارستان و ۲۸ داروخانه هست در تمام شهرستانها ۲۹ بیمارستان و ۳۷۸ داروخانه است پزشکی در طهران ۴۶۵ نفر در تمام شهرستانها ۴۵۲ نفرند دندانساز در تهران ۸۷ نفر در تمام شهرستانها ۲۸ نفر ماما در تهران ۸۲ نفر در تمام

شهرستانها ۲۴ نفر  
**مهندس غروی** - آمار بسیار جالبی است .

**وکیل پور** - فقط يك نکته کوچکی را عرض میکنم و مرخص میشوم . چون جناب آقای حمیدیه راجع بفرهنگ يك تذکری فرمودند اتفاقاً يك عده کشوری از فرهنگ بمن مراجعه کردند . انصاف اینستکه وزیر فرهنگ که کار خوبی میکند یعنی تعلیم و تربیت باید مردم از ش راضی باشند ولی نمیدانم چه سری است که همه از این آقای دکتر آذر ناراضی هستند (صحیح است) اتفاقاً تبلیغات دروغ هم کرده اند راجع بلاجه آموزش و پرورش منشاء این را خودشان دانسته اند در حالیکه ما اطلاع داریم در دوره ۱۶ این لایحه آموزش و پرورش بمجلس تقدیم شد و در اینکار هم جناب آقای ناظرزاده بیش از هر کس زحمت کشیده اند (ناظرزاده - و آقای دکتر سنجابی) و من میدانم که چه قدر زحمت کشیدند تا وزیر فرهنگ فعلی راضی کردند که با این لایحه موافقت کند و حالا تمام مزایای این کار را میخواهد بحساب خودش بگذارد و این کمال بی انصافی است که يك وزیر يك کاری را که دیگران کرده اند و به مجلس داده اند انجام آنرا بخودش نسبت بدهد ولی بسیار متأسفم که يك کسی که در رأس وزارت فرهنگ نشسته و کارش هم کار تهذیب اخلاق و تعلیم و تربیت است و افاضه و افاده است این طوری شده است که منفور همه مردم واقع شده است و این راجع کج سلیقگی و جز خود نخواهی و جز سوء اداره چیز دیگری نمی توان گفت و بنده عرایضم را ختم میکنم در ضمن يك تلگرافی است از طرف کارمندان ادارات لشکر و تلگرافی است از طرف کارمندان رشت که نظر اتحادیه کارمندان رانست بروز اعتصاب تأیید می نمایند این را آقای مهندس غروی فرستاده اند تقدیم مقام ریاست میکنم که توجه دولت را جلب کنند .

**نایب رئیس** - آقای قنات آبادی

**شمس قنات آبادی** - من از تصدیق فصد ندارم با آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی تذکره کردم و بگویم که در یکی از نقاط خاک میهن ما يك سانحه بسیار جانگدازی بوجود آمد و عده ای از زحمتکش ترین طبقات وطن ما بطرز بسیار فجیمی آنجا کشته شدند (صحیح است) زیر خاک خفته شدند (صحیح است) که حتی بعضی از آنها تا ۲۲ روز ناله هایشان از زیر خاک بگوش کسانی که در آنجا حضور داشتند و از نزدیک این منظره جانگداز را می دیدند می رسید این مطلبی است که همه آقایان نمایندگان محترم و ملت ایران میدانند که چشم طبیعت و اراده پروردگار که مسلماً توأم با مصلحتی است اقتضا کرده

است که در يك نقطه از خاک مملکت ما و میهن ما يك عده بیگناه شربت شهادت بنوشند مطلبی که من می خواهم اینجا حضور آقایان نمایندگان محترم تذکر بدهم اینستکه تا کنون برای بازماندگان این دسته بلازده بدبخت چنه کرده اند و در آینده دولت بایستی متوجه چه عملی باشد و چون نمی خواهم آن اشخاصی که همیشه سعی میکنند در جریانات يك نکته هائی بدست بیاورند و باستناد به آن نکته ها تفتین کنند و فتنه بکنند آنها استفاده کنند لذا جریان وقایع این چند روزه را از نظر کمک بدون تفسیر بعرض آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و ملت ایران میرسانم . دولت بمجرذ اینکه از این حادثه اطلاع پیدا کرد بستاد آرتش دستور داد يك مقداری کامیون يك مقداری جیب يك مقداری نان بمحل سانحه اعزام بشود و البته رفتند و روز بعد هم ساعت ۱۱ و ۱۲ رسیدند البته قبل از اینکه این دسته که از طرف دولت مأمور بودند که آنجا بروند میرسند يك دسته ای از شاهرو و مر کب از دادستان و معاون دادستان و رئیس ژاندارمری و يك عده ای از مردمان خیر بمحل سانحه رفتند و اینکه آقایان نمایندگان محترم و ملت ایران شنیده اند که بعضیها را از زیر خروارها خاک و آوار بیرون آورده اند و در بیمارستان بستری کرده اند این کسانی که نجات پیدا کرده اند فقط سه وسیله این دسته بوده اند یعنی دسته ای که از شاهرو رفتند اینها موفق شدند که قریب سی ، چهل نفر را از زیر خاک بیرون بکشند و با وسائلی که در اختیارشان بوده بسا ماشینهای بلاری به نزدیکترین پست بهداشتی اعزام دارند ولی از طرف عده ای که از طهران رفتند از نظر حفاری و بیرون آوردن جنازه ها و شاید نجات آن کسانی که در زیر خروارها خاک ناله میکردند اقداماتی نشده تا آنجا که بوم ندیدم و از کسی هم نشنیدم من وقتی رفتم به طرف و از نزدیک چشمم به این منظره فجیع افتاد دیدم يك جا يك نقطه ای يك عده ای از هموطنان ما زیر خاک، يك عده ای هم از بازماندگان این ها غریب، مبهوت، متأسر، حیران، متعجب و یلان در این بیابان مشغول بالابوایان رفتن هستند در مقابل این ها هم يك عده ای از مأمورین اعزام شده اند که ماشینها مرتب استفاده اند و چادرها را زده اند و اینها آن جا بودند و حال آنکه چیزی که در مرحله اول از اهمیت لازم بود که بشود و بعد از پنج ، شش روز میشود این بود که يك عده ای حفار بروند آنجا حفاری کنند بلکه بتوانند يك عده بیشتری از این بدبخت ها را از زیر خروارها خاک نجات دهند و هنوز که هنوز است یعنی تا دیروز که من اطلاع دارم در صد حفاری بر نیامده اند و محیط و هوای آنجا بسیار بسیار بد بود

شده بود و من توجه دولت را مخصوصاً باین میکنم که اگر يك اقدام عاجلی برای رهایی این نقطه خطرناک یعنی از بین بردن این بو و این تعفن و آثار ناشیه بر این تعفن و کسانیکه در سطح خاک و در سطح او فرار گرفته اند دولت نکند بیم این میورد که يك بیماری بسیار بسیار وحشتناکی در آنجا وجود بیاید و شیوع پیدا کند و من لازم است که به آقایان نمایندگان محترم تذکر بدهم که مردم طرود یک دسته شان در طبقه اول بودند و دسته شان در طبقه دوم یعنی طبقه وسط عمارت طرود سه طبقه است و غالباً از خشت است آن دسته ای که در طبقه اول هستند اینها اجسادشان متعفن شده و سبب شده که هوای آن منطقه بسیار بد بود و مسموم کننده شده و این یکی از نکاتی است که باید دولت جداً بهش رسیدگی کند البته اینجا فرصت پیدا شده که يك عده ای هم تبلیغات خیلی زیادی بکنند ماشاءالله رادیو تهران هم مثل اینکه رسم شده برای ما باید پروپاگاندا کند جز برای مملکت مای بینیم اینجا نمایندگان محترم در مجلس مطالبی میگویند و وقتیکه بدست رادیو تهران میرسد تحریف می شود از این میبرود و کلمات کامل او را میشود اما می بینیم رادیو تهران صبح و ظهر و عصر و شب میگویند فلان طیاره منسوب بفلان دستگاه رفت و آب و نان ریخت من نمی دانم چه اصراری است که این مطلب را همیشه تا کید کنند و بزرگ کنند و حال آنکه این نان ریختن مطلب مهمی نبوده است از دامغان هم روزی هزار من بیخشید صد من و از شاهرو هم روزی دو صد من نان بادو خروار نان می برند ما هیچ ندیدیم رادیو تهران می یاد بگونا بگونا و بگویند از دامغان هم روزی دو صد من یا سیصد من نان میرود اما يك طیاره ای حرکت کرده است و رفته آنجا نان ریخته صبح و ظهر و عصر و شب و نصف شب مرتب رادیو تهران این را بیخش میکند علی ای حال غیر از اینکه باین هموطنان شما یعنی بیازماندگان این سانحه غیر از اینکه نان خالی (پورسرتیب - چند نفر مانده اند؟) اجازه بدهید غیر از این که باینها نان خالی بدهند و این پتوهائی که ارتش برای اینها ارسال کرده چیز دیگری ما ندیدیم باینها بدهند و آقای استاندار مازندران آقای فقیه زاده که ۲ تن برنج برای آنها آورده بودند وسیله ای نبود که طبخ بشود و بآنها بدهند و بعلاوه نکته ای که خود مردم طرود میگفتند این را لازم می دانم که عرض بکنم اینها میگفتند با بیل بدهند ما کلنگ بدهند ما پروم اجساد عزیزانمان را از زیر خاک دریاوریم برای اینها ماشین بیاورید می داد بکنید این برای ما تأثیر ندارد آنچه که برای ما مؤثر است آنچه که دل دردمان را التیام میدهد این است که وسیله ای در اختیار ما بگذارند تا ما پروم بین عزیزانمان را از زیر خاک



بدون نیاید و دفن بکنیم البته اینها از نظر عشق و علاقه و خویشی و ما هم از نظر انسان دوستی و از نظر مصلحت مملکت بایستی باین نکته توجه بکنیم بایستی برادران ما که زیر خاک رفته اند قطع نظر از اینکه بوضع فجیعی مرده اند بالاخره بودن اینها در زیر خاک سبب می شود که یک عده زیادی از هموطنان ما هم متلاطم شوند و باید اینها را از این وضع نجاتشان بدهیم بنابراین من میخواهم توجه دولت را مخصوصاً باین نکته جلب کنم و ازدولت می خواهم چون حال ممکن است بیایند بفرمایند که ما کرده ایم ولی من بمرض آقایان محترم میرسانم و اطلاع صحیح دارم از نظر حفاری و دفن اجساد هیچ اقدامی نشده هیچ کاری نکرده اند و خواهش هم میکنم ازدولت که ما حاضریم خودمان به نان و پنیر خودمان قناعت کنیم کهن جامه خویش آراستن - به از جامه عاریت خواستن من نمی توانم قبول کنم آن ملتی که به انتظار بدل و بخشش دیگران است ولو آنکه آن دیگران خیلی هم صاحب حسن نیت باشند اینها بنشینند و انتظار بکشند اینها نمی توانند یک ملت زنده باشند (مهندس - حسینی - کسی بانتظار نمی نشیند ولی اگر کمکی بشود که نباید برگردانید) تمنی میکنم که جنابعالی یک خورده حوصله داشته باشید - بنده مطلبی عرض نکردم که جناب - عالی عصبانی بشوید (مهندس حسینی - در

عین خواست آنهاست از مردم ازدولت از ملت ایران که میخواهند اولاً وسایل حفاری به آنها بدهند که اینها عزیزانشان را از زیر خاک در بیاورند و دولت هم جداً و عملاً در این مورد کمک بکند و علاوه مؤسسه شیر و خورشید سرخ که انصافاً اینجا خوب عمل کرده و من نمی توانم انکار کنم به آنها بعنوان نصیحت گفته اند که شما خوب است حرکت کنید و به جای دیگر بروید اینجا یک منطقه خطرناکی است و خطر جانی دارد و غالباً زلزله می شود اینها گفته بودند که ما حرکت نمیکنیم ...

**نایب رئیس -** آقای قنات آبادی اجازه بفرمائید وقت بگیریم بعداً ادامه دهید. آقای قنات آبادی ده دقیقه از وقت یکی از آقایان نمایندگان محترم صحبت فرمودند و حالا تقاضای یک ربع ساعت وقت اضافی میکنند آقایانی که موافقت دارند قیام بفرمایند ( اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد .

**۴ - اعلام تصویب صورت**

**مجلس جلسات ۱۹ و ۲۲ بهمن**  
**نایب رئیس -** از موقع استفاده می-کنم حالا که اکثریت هست تصویب صورت جلسه های مورخ ۱۹ بهمن و همچنین ۲۳ بهمن را اعلام می کنم. بفرمائید آقای قنات آبادی .

**۵ - بقیه بیانات قبل**

**از دستور آقای قنات آبادی**

**قنات آبادی -** بنابراین از دولت می خواهند که برای آنها مسکنهایی که برای آنها قرار است بنا بشود در همان محل بنا شود چون آنها بانجا علاقه دارند آنجا را وطن خودشان میدانند آنجا زراعت دارند قنات دارند و بوسیله بنده خواسته اند که راجع باین مطلب یعنی کوچ دادن اینها از آن منطقه بمنطقه دیگر اساساً دولت و مؤسسات خیریه ذهن خودشان را مشغول نکنند بنا براین اول کاری که باید دولت و سایر مؤسسات خیریه از محل این اعاناتی که داده میشود بکنند این است که از برای اینها تهیه مسکن بکنند ( فرزانه - اینها را تمرکز بدهید) (نبوی - مردم متمرکزند) (فرزانه - عرض کردم این اعانات را تمرکز بدهند) حق با جنابعالی است حق این است که در شیر و خورشید سرخ متمرکز بشود و اینها با سابقه ای که دارند عمل بکنند و اصلاً اینطور که بیکدسته ای یکجا و بیکدسته ای یکجا باشد صحیح نیست و حالا که این مطلب را فرمودند من ناگزیرم که یک مطلب را بگویم که آقای مهندس حسینی توجه بفرمایند یک مطلبی که من را داغ کرد و آتش زد این بود خواهش میکنم آقایان توجه بفرمایند بنده رفتم آنجا سه منظره از انسان در مقابل چشم من مجسم شد یک منظره بازماندگان طرودها که در حدود ۲۵۰ یا ۲۶۰ نفر هستند بیکدسته هم دسته از طرف ارتش انصراف و سران و سران

در حال، ملت ایران بانتظار کمک هیچکس ننشسته این مطلب باید در مجلس گفته شود و این فرمایش را بفرمائید جنابعالی) جنابعالی توجه بفرمائید یک قدری، من صحبت از ملت مخصوصی نکردم من گفتم ملتی من اسم ملت ایران را نیاوردم من همچو چیزی که در فکر شما هست که بایستی به کمک دیگران بشود نیاوردم این در فکر من نبوده است ( کریمی - اسم اصل چهارم را نیورید) من یک اصل کلی گفتم اسم شخصی و مقام و ملتی نبود من خیلی بیشتر از اینها باستقامت ملت ایران اطمینان دارم و اعتقاد دارم میدانم که این ملت ایران است که در تمام کورانها مثل کوه با بر جاست و اما بیکدسته ای معدود هستند که اینها خودشان را به ملت ایران می چسبانند و در تمام کورانها بظرف سیاستهای مختلف رفته اند و ملت ایران اینها را خوب میشناسد .

**نایب رئیس -** آقای قنات آبادی وقت جنابعالی تمام شده است

**قنات آبادی -** بنده عراض تمام نشده و چند مطلب است که بایستی عرض کنم .

**نایب رئیس -** چقدر دیگر وقت می خواهید ؟ ( قنات آبادی - در حدود یک ربع ساعت) بسیار خوب پس صحبت بفرمائید  
**قنات آبادی -** آقایان بفرمایند محترم هموطنان برارنده شما در طرود این

وطن ما بیکدسته هم آنگوشه چهار یا پنج چادر زده بودند چندتا از هموطنان عزیز ما یا بیکدسته ای از غیر هموطنان ما بودند در اختیار آن کسانی که در آنگوشه و در آن چند چادر زندگی میکردند تمام لوازم زندگی بود بهترین خوراکیها، بهترین دسر ها، بهترین پوشاکها بود در مقابل اینها سران ما ایستاده بودند این منظره را با کمال نفرت و انزجار نگاه میکردند و آنطرف هم هموطنان بلا زده و مصیبت دیده ما باین دوتا منظره نگاه میکردند آقا نباید این کارها توی این مملکت اجازه داده بشود تمام مردم مملکت ما بنان و بنیر خودشان قناعت میکنند نه این که در برابر یکدسته بلا زده بر روند آنجا اینطور زندگی کنند آنجا که محل تفریح نبود آنجا که محل گردش نبود آنجا که محل نمایش نبود اینها را که انسان میبیند آتش میگیرد و میخواهد باین چیزها اعتراض کند و اگر کسی راضی باشد که این منظره ها وجود خارجی پیدا کند من نمیتوانم در وطن پرستی او تردیدی نکنم پس دولت یا آن نقطه ای که اعانات در آنجا متمرکز میشود باید توجه داشته باشد چون اینها مردمان کارگرو زحمتکشی هستند اینها میخواهند وسایل کار در اختیارشان باشد خودشان کار بکنند و از قدرت بازوان خودشان زندگی شانرا تأمین بکنند آقا تا اینها وسائل کار در اختیارشان نباشد اینها نمیتوانند وضع خودشان را تثبیت کنند نمیتوانند کار کنند بنا براین با تثبیت وضع قریه طرود و چند قریه ای که در اطراف طرود است و متأسفانه خیلی کم از این چند قریه ها اسم برده میشود و کمتر بانجا توجه میشود و حال آنکه در طرود اکثر مردم زیر آوار رفته اند و در اثر زلزله مرده اند اما در قریه در اطراف طرود در هفت فرسخی طرود آنجا مقدار تلفات کم است نزد یک ۳۰ نفر است اما تعداد بی خانمانها و در بدرها بسیار است و باید توجه بشود و کمکی ب مردم آنجا بشود نکته ای که اینجا حضور آقایان میخواهم عرض کنم اینست که اگر آقایان تشریف برده باشند طرود و با اگر یک وقتی برای ابراز تقدیر آنجا تشریف ببرند می بینند آنها رفته اند روی یک تپه بسیار مرتفعی ساختمان کرده اند که از نظر قاعده ساختمانی عمل بسیار بسیار غلطی است که با مختصر زلزله ای چنین وضعی پیش می آید چه رسد باینکه زلزله خیلی شدید باشد چرا اینها این کار را کرده اند؟ برای اینکه آنها امنیت نداشته اند برای اینکه دستگاه انتظامی توی این مملکت خوب کار نمی کند برای اینکه اینجا زرد ها حمایت میشوند الان یک نامه ای همین امروز که من وارد تهران شدم یکی از اهالی محترم تهران برای من نوشته است آقای محمد باقر تهرانچی برای من نوشته اند من مغازه ام در خیابان فردوسی است در مغازه ام از آن درهای کشویی

آهنی است که اگر بخواهند باز بکنند وقتی که خیابان شلوغ باشد خدا اقل تا دوست سبده متر سرو صدایش می رود و اگر خیابان خلوت باشد حتماً تا یک کیلو متر صدایش می رود مینویسد که آمده اند در تاریخ سوم بهمن شب جمعه سوم بهمن ماه ۱۳۳۱ یعنی از وقتی که شهر بانی پایتخت کشور شاهنشاهی ایران مفتخر شده است بر ریاست عالی و فائمه آقای سرتیب اقبال طوس رئیس سابق املاک مازندران و کسی که شش روز مردم مازندران می نشینند و باو نفرین می کنند یعنی این خانواده هائی که این مرد لکه بی ناموسی بدامن آنها گذاشته این مرد را نفرین می کنند و باو بد میگویند آن روزی که او رئیس شهر بانی شده در زمان ریاست فائمه ایشان هم بوده است که رفته اند در خیابان فردوسی این مغازه را زدند و اند من نمی خواهم بگویم در زمان ریاست شهر بانی دیگران دزدی نمی کردند میکردند ولی سراغ بالا خیللی کم میرفتند غالباً میرفتند در جنوب شهر سراغ بدبخت ها و بیچاره ها ولی حالا الحمد لله عدالت طوری شده که آمده اند بالا و همه جا یکسان شده است راجع بطرود عرض میکردم برای آن خانه هایشان را بشکل حصار ساخته بودند خانه ها کوچک بود اما تمام این خانه های آنها بصورت قلعه های جنگی بود برای اینکه اینها مجبور بودند خودشان از خودشان دفاع کنند و اگر آقایان جزو اخبار خواننده باشند در جراید وقتی اعلیحضرت همایونی بطرود تشریف برده بودند که عمل ایشان از نظر تسکین روحی بسیار بسیار مؤثر بوده (صحیح است) و مردم بسیار بسیار خوشبین شده بودند واقعا من میخواهم عرض کنم این عمل اثرش از تمام کمک های مادی و معنوی و تبلیغاتی که شدد روحیه مردم بسیار زیاد تر بود من لازم میدانم بنام موکلینم از ایشان تشکر کنم طرودی ها بشاه مملکت گفته بودند ما از شما می خواهیم بگوئید برای ما امنیت بوجود بیآورند مادر بدر بودیم از دست یک عده ای دزد، جناب آقای عامری میدانند آنجا ده بیست تا دزدند آقا ده بیست تا یعنی بیست تا بیست دوتا هم نیستند اینها معروفند با هم دزد های باصوری یا باصبری سالهای سال است قوای تأمینیه مملکت نتوانسته است حساب این ده بیست تا دزد را برسد و این ده بیست تا دزد را بجای خودش بشاند چه امروز چه دیروز چه در گذشته اینها بشاه مملکت گفتند ما از ترس دزد آمده ایم اینجا و در این جا تزلزل را بشکل قنات آبادی در آورده ایم حال که غراب شده است این دیوار های سنگین و ضخیم اینطور بدین هرزان ماراله کرده (میر اشرفی - آقای قنات آبادی این دزدها باز رئیس زاندار می شمرند من هم دهنمونی گیرندشان) آقا بگذار این بیانات زیر پرده اطلاعی ندارم



اجمالاً میدانم که اگر شعبه بیدار باشد اگر شعبه نخواستند با گرد زرد گیر خودش دزد نباشد دزد جرات دزدی ندارد متأسفانه شعبه در خواب است و دزد هم بی مانع و بی رادع است تلگرافی هم از طرف قاطبه مردم شاهرود رسیده از اعلیحضرت همایونی و از حضرت آیت الله کاشانی و از جناب آقای دکتر محمد مصدق و از جمعیت شیروخورشید سرخ ایران و از تمام افراد و دستجاتی که نسبت بسانجه طرود ابراز تأسف کرده اند تشکر کرده و مخصوصاً از آقایان نمایندگان محترم خواسته اند که خواسته های مردم طرود که تهیه مسکن و تهیه آذوقه بابتبیت اوضاع طرود و بخصوص تأمین امنیت طرود را آقایان نمایندگان محترم لطف کنند کمک کنند که این مطلب حل بشود مساعدت بفرمایند مطلبی هم که می خواهم بنده اینجا تذکر بدهم اینست که مدت مدیدی است در تهران حکومت نظامی است و لایحه حکومت نظامی هم مطابق قانون از طرف دولت به مجلس آورده شده و متأسفانه این لایحه در مجلس مطرح نشده است و بنده البته نمی دانم و نمی خواهم بگویم که چرا نشده و اگر اقتضا بشود در موقعش خواهم گفت که چرا این در مجلس مطرح نشده است اما قدر مسلم اینست که مطابق قانون دولت موقتی که لازم بدانند حکومت نظامی را اعلام بکنند باید در ظرف هفت روز لایحه اش را به مجلس بفرستد و در جلسه فوق العاده مجلس این لایحه را مطرح کند و متأسفانه مطرح نشده است و یک حکومت نظامی روی حکومت نظامی آمده است قانون میگویند عطف بمسابق نمی شود اما حکومت نظامی ماهی کشوندند عطف بمسابق میشود و حال آنکه در تهران اگر خودشان دارو دسته درست نکنند اگر تشویق نفرمایند گمان نمی کنم احتیاجی بوجود حکومت نظامی باشد و البته وقتی حکومت نظامی مطرح شد بنده مطالبی دارم که بمرض خواهم رساند و خواهش میکنم از مقام ریاست که دستور بفرمایند لایحه حکومت نظامی طهران که تاریخش هم مقدم بر حکومت نظامی جا های دیگر است جز دستور قرار بگیرد مطلب دیگر این است که بنده می خواهم یک تذکره خدمت آقایان بخصوص آقایانی که خیال مسافرت دارند عرض کنم و آن اینست که البته وقتی این لایحه اختیارات مطرح میشد زیر کترین دلیلی که طرفداران اختیارات مطرح میفرمودند این بود که لوایح دیر از مجلس میگذرد اگر بنا باشد آقایان تشریف ببرند و جلسات رسمی تشکیل نشود و لوایح اینجا مطرح نشود مطلبی که در باره مجلس می گفتند صادق می آید خوب است که آقایان برای خاطر حفظ حیثیت مجلس از مسافرت صرف نظر کنند و نمایندگان بکارهای

ملکت بپردازند (میر اشرفی - آقای قنات آبادی راجع بفرماندگار جدید نظامی طهران نفرمودید که از کمونیستهای درجه اول است بایشه وری کار میکرده است) (پارسا - یکی از بهترین افسران است خیلی آدم متدین و باکی است) من او را نمی شناسم (میر اشرفی - از همکاران جدی پیشه وری بود من اسنادش را در موقع طرح لایحه حکومت نظامی می آورم)

**۶- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای معاون وزارت دارائی**

**نایب رئیس** - آقای معاون وزارت دار کستری اطلاع دادند که برای جواب سوالات حاضر هستند البته اگر مطرح شد از حضور آقایان استفاده خواهد شد آقای معاون وزارت دارائی فرمایشی داشتید بفرمائید

**معاون وزارت دارائی (قریب)** - دو لایحه است که تقدیم میکنم یکی راجع بپرداخت دودوازدهم بهمن و اسفند است که مال بهمن تمام شده و مال اسفند هم میبایستی طبق معمول حقوق مستخدمین و مصارف ملکت قبل از پایان سال پرداخت بشود یک لایحه دیگر هم هست راجع بچند فقره اضافاتی است که چون بودجه مخارج بر مبنای سال ۱۳۲۹ بطوریکه دوازدهم پرداخت میشود و این مخارج هم از واجبات است و اعتبارش را نداریم چند فقره است که از جمله اضافات مستخدمین جزء است که مورد علاقه آقایان نمایندگان محترم هم هست این لوایح را تقدیم میکنم

**نایب رئیس** - لوایح بکمسیونهای مربوطه فرستاده میشود لایحه دو دوازدهم و لایحه اعتبارات بکمسیون بودجه ارجاع میشود. آقای معاون وزارت دفاع ملی فرمایشی دارید؟

**معاون وزارت دفاع ملی** - خواستم عرض کنم که برای جواب سوالات حاضر

**نایب رئیس** - اگر سوالات مطرح شد استفاده میکنم

**۷- طرح گزارش شور اول راجع به منابع طبیعی موجود در کف دریا و زیر کف دریا**

**نایب رئیس** - شور اول لایحه مربوط با استفاده از منابع زیر زمینی کف دریا و زیر کف دریا مطرح است گزارش کمسیون قوانین دارائی قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

گزارش از کمسیون قوانین دارائی بمجلس شورای ملی کمسیون قوانین دارائی لایحه شماره ۷۴۵۹۶-۴۱۱۱۱۱۱۱ دولت راجع بمنابع طبیعی موجود در کف دریا و زیر کف دریا را که در مجاورت خاک ایران واقع شده

با حضور آقای وزیر دارائی مورد رسیدگی قرار داده و مواد پیشنهادی را بشرح زیر تصویب و اینک گزارش آنرا برای شور اول بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد:

ماده ۱ - منابع طبیعی موجود در کف دریا و زیر کف دریا تا حدود (فلات فارم) سواحل ایران و سواحل جزائر ایران متعلق بدولت ایران میباشد

ماده ۲ - در صورتیکه فلات فارم ایران تا سواحل کشور دیگری بسط داشته یا با کشور همجوار دیگری مشترک باشد حدود کشور های ذینفع نسبت بمنابع طبیعی فلات فارم بین دول ذینفع بطور منصفانه تعیین خواهد شد

ماده ۳ - این قانون در وضعیت آبهای غیر ساحلی روی فلات فارم تغییر نداده و حق کشتیرانی آزاد در آبهای مزبور بقوت خود باقی خواهد بود

ماده ۴ - مقررات قانون ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ بقوت خود باقی است

ماده ۵ - کلمه فلات فارم مستعمل در این قانون همان معنی را دارا است که از کلمات مصطلح Continental Shelf و Plateau Continental مستفاد میگردد

**نایب رئیس** - کلیات لایحه مطرح است. آقای حائری زاده بعنوان مخالف اسم نوشته اند فرمایشی دارید؟

**حائری زاده بلی**

**نایب رئیس** - بفرمائید

**حائری زاده** - در اواخر دوره ۱۵

مجلس از طرف دولت وقت یک همچو لایحه ای آمد و اختیاراتی هم از طرف مجلس به کمسیون دارائی آنروز مجلس داده شد برای تصویب چند قانون. این قوانین پس از آنکه تصویب شد بموقع اجرا گذاشته شد یکی از این قوانین هم لایحه منابع تحت الارضی زیر دریائی است که اهمیت فوق العاده پیدا کرده در بحر خزر روسها در قسمت هائی وسط دریا جزیره های مصنوعی درست میکنند و مشغول استخراج نفت هستند در خلیج فارس هم جا هائی حفاری شده است و استخراج نفت میشود ممکن است این خطر پیش آمد کند از این جهت برای حفظ حق تقدم ملت ایران در دوره پانزدهم یک همچو لایحه ای بمجلس آمد و تصویب هم شد ولی پس از تعطیل مجلس من در لیست قوانین مصوبه ندیدم آنرا تحقیق کردم که چه شده معلوم شد چون این لایحه روز آخر دوره مجلس تصویب شده بوده است و رئیس کمسیون دارائی روز بعد مسافرت کرده بوده یا کنویس آنرا امضاء نکرده بود و یک قانون مصوب برای اینکه یک تشریفات اداری آن انجام نشده غیر مصوب تلقی شده است و حالا مجدداً لایحه را آورده اند من این لایحه را مصوب میدانم طرح قانونی آنرا باید تأیید بکنیم یعنی همان تصویب دوره ۱۵ را تأیید کنیم این چیزی نیست که امروز حرفش زده شود این در دوره ۱۵ آمده تصویب شده ولی تشریفات اداری آن کامل نبوده است این است که

خواهش میکنم اگر آقایان سوابق را مطالعه فرموده اند توضیح بفرمایند من چیزی از این چون در حافظه ام نیست آنچه نظر من بود توضیح دادم باید به پرونده مراجعه بشود و بعرض آقایان برسد که این موضوع موضوع ابتکاری امروز نیست مجلس این موضوع را تصویب کرده بود ضمناً خواست از موقع استفاده کنم یک سؤالی است که جناب آقای بهادری راجع بفروش جو باتسک سال از وزارت دارائی فرموده اند که تقدیم مقام ریاست میکنم

**نایب رئیس** - آقای پارسا

**پارسا** - (مخبر کمسیون قوانین دارائی) همانطور که جناب آقای حائری زاده فرمودند این لایحه جدید نیست بمجلس داده شده باشد سابقه دارد در دوره ۱۵ این را بمجلس تقدیم کرده اند و کمسیون قوانین دارائی وقت اجازه داده شده است که تصویب کند و بدولت ابلاغ کند کمسیون قوانین دارائی هم باین موضوع رسیدگی کرده تصویب کرده ولی بدولت ابلاغ نکرده ناقص بودنش از این جهت است و این قضیه در کمسیون هم مطرح شد حتی جناب آقای نریمان از جناب آقای وزیر دارائی پرسیدند که آیا برای دولت گرفتاری حاصل نمیشود که در مجلس دو بار مطرح کنیم اگر بخواهید ما این را تأیید میکنیم عمل کمسیون دارائی دوره ۱۵ آقای وزیر دارائی در توضیحاتی که فرمود فرمودند که این ضروری برای دولت است و بنده این توضیحاتی که عرض میکنم ضروری ندارد که این قانون دو مرتبه در مجلس مطرح شود و به تصویب برسد اصولاً بطوریکه آقایان میدانند در حقوق بین المللی تا سه میل از ساحل در حدود حاکمیت دولتی است ولی دولت ایران این را تا شش میل قبول دارد مدتی قبل یکی از دول ثور جدیدی آورد که همان تئوری فارم است و این تئوری از طرف یکی از دول صورت بیانیه ای منتشر شد حالا معنای فلات فارم این است که حاکمیت دولتی امتداد فلات آن دولت خاک آن دولت عمیق ترین نقطه ای که فلات یک کشور زیر دریا هست جزء فلات فارم است عده ای از دول خودشان را باین ملحق کردند دولت برای حفظ منافع احتمالی چون این لایحه چیزی نیست که برای احتیاجات روزمره باشد ولی برای اینکه نفی از این کشور فوت نشود برای آن منافع احتمالی این را تقدیم کرده است و چون یک اصلاحات مختصری بعمل آمده است اگر آقایان باین رای بدهند گمان میکنم بنفع این کشور خواهد بود (دکتر مظفری) بالایحه سابق تغییری داده شده یا نشده تغییرات مختصری داده شده

**نایب رئیس** - آقای ملک مدنی



**ملك مدنی** - بنده هم میخواهم همین نظری را که آقای حائری زاده اظهار کردند عرض کنم کمیسیون دارائی در موقع خودش اختیار داشته است و این را تصویب کرده است و بنظر بنده دیگر ضرورت ندارد که مجدداً در مجلس مطرح شود ولی چون جناب آقای پارسا تذکر دادند که یک تغییراتی در لایحه داده شده است بسته است بنظر مجلس ولی خواستم عرض کنم که اصولاً کمیسیون دارائی اینکار را کرده است ضمناً خواستم از مقام ریاست استدعا کنم و عرض کنم که لایحه دو دوازدهم را که دولت بمجلس داده است اگر موافقت فرمایند بعد از تعیین تکلیف این لایحه جلسه را ختم کنیم و کمیسیون بودجه را تشکیل دهیم که این لایحه تصویب شود و روزیکشنبه جزء دستور باشد چون همیشه کارمندان دولت یک احتیاجات شدیدی در شب عید دارند و چون مجلس همیشه نسبت بکارمندان دولت نظر مساعد داشته است این لایحه زودتر تصویب شود که قبل از اینکه عهد برسد کمکی بآنها بشود خواستم اینرا عرض کرده باشم.

**نایب رئیس** - نسبت باین لایحه لازم است که نظر آقایان نمایندگان محترم را جلب کنم که در آخر دوره ۱۵ بکمیسیون قوانین دارائی اختیار داده شده بود که شش لایحه را تصویب کند و بدولت ابلاغ کند این لایحه هم در کمیسیون دارائی دوره ۱۵ مطرح شده بود و شور نهائی خودشان را هم کرده اند ولی از طرف کمیسیون شرح لازم در آن تاریخ به هیئت رئیسه جهت ابلاغ نوشته شده است و به همین جهت هیئت رئیسه بدولت نمیتوانسته است ابلاغ کند بعد از مدتی معلوم شد که این لایحه محتاج است که بمجلس برگردد آقای وزیر دارائی هم لایحه را قبول کردند و پس از اصلاحاتی که در آن بعمل آوردند حالا بمجلس برگشته است چون شور اول مطرح است و آقایان نظری ندارند اگر آقایان اجازه فرمایند در کلیات مذاکرات را کافی تلقی کنیم و بپردازیم بمواد اگر نظری نبود برود بکمیسیون آقای نبوی کفایت مذاکرات مخالفید بفرمائید

**نبوی** - همانطوریکه فرمودند این کاری است انجام شده و جناب آقای پارسا فرمودند که بی ضرر است خواستم عرض کنم که مهمترین ضررش اتلاف وقت است که کاری که انجام شده ما دومرتبه آنرا انجام دهیم بطوریکه جناب آقای ملك مدنی فرمودند تمام ارکان قانونی این لایحه در دوره ۱۵ گذشته و در آن دوره بکمیسیون دارائی اختیار داده شد است که یک تمدادی از لویج را تصویب کند و تصویب همان کمیسیون کافی بوده چنانکه بسیاری از لویج را تصویب نمودند و تصویب همان کمیسیون به تنهایی کافی بود و امروز مجری شده نسبت باین لایحه کمیسیون شور اول ز شور دوم و تمام آن کارهایی که اعتبار قانونی باین لایحه میدهد انجام داده و در این اعتبار قانونی شده است حالا اگر در آخر وقت ابلاغ نکرده اند این از تشریفات اداری است چیزی نیست که بقانونی بودن لایحه صدمه برساند تغییراتی هم که در لایحه داده شده است بسیار جزئی و غیر قابل تأثیر است بنابراین بنده بهترین میدانم که هیئت رئیسه مجدداً در اینکار مطالعه ای فرمایند و اگر همینطور است که در اینجا گفته شد همین لایحه را بدولت ابلاغ کنند که کار انجام شده را از سر بگیریم این است که من با کفایت مذاکرات مخالفت کردم برای اینکه عرض کنم این کار تمام شده ای است و جایز نیست که چند جلسه وقت مجلس را تلف کنیم و وقت کمیسیون را تلف کنیم و حال اینکه این تمصیل حاصل است و منظور انجام شده است.

**نایب رئیس** - آقای پارسا توضیحی دارید بفرمائید

**پارسا** - جناب آقای نبوی فرمودند که تمام ارکان قانونی این قانون انجام شده است و روی آن بحث شده است و تصویب شده فقط تشریفات اداری مانده است حال چه تشریفات اداری چه تشریفات غیر اداری را بگیرند تصویب این قانون آن زمان از طرف کمیسیون دارائی به هیئت رئیسه بمجلس شورای ملی نوشته نشده است و بدولت ابلاغ نشده است یکی از ارکان آن چیزی که باید قانون بشود لنگ است و حالا

آورده اند بمجلس که تصویب کند جناب آقای دکتر معظمی الان يك تذکر دیگری فرمودند که بنده میخواهم راجع به آن موضوع هم توضیح عرض کنم ایشان فرمودند که راجع باین موضوع قانونی هست که تا شش میل بحری منابع روی دریا و زیر دریا متعلق بایران است ولی باید توجه داشته باشند که در اینجا صحبت میل نشده است و همانطور که عرض کردم این يك تئوری جدیدی است در امتداد فلات ایران تا عمیق ترین نقطه دریا گرفته ایم که ممکن است ۲۰۰ میل هم باشد (صحیح است)

**نایب رئیس** - آقایانیکه با کفایت مذاکرات موافقت فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد آقایانیکه موافقت دارند وارد در شور مواد شویم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده اول قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۱ - منابع طبیعی موجود در کف دریا و زیر کف دریا تا حدود (فلات قاره) سواحل ایران و سواحل جزایر ایران متعلق بدولت ایران میباشد

**نایب رئیس** - نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) ماده دوم قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲ - در صورتیکه فلات قاره ایران تا سواحل کشور دیگری بسط داشته یا با کشور همجوار دیگری مشترك باشد حدود کشورهای ذینفع نسبت بمنابع طبیعی فلات قاره بین دول ذی نفع بطور منصفانه تعیین خواهد شد.

**نایب رئیس** - نظری نیست؟ (اظهاری نشد) ماده سوم قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۳ - این قانون در وضعیت آبهای غیر ساحلی روی فلات قاره تغییر نداده و حق کشتیرانی آزاد در آبهای مزبور بقوت خود باقی خواهد بود

**نایب رئیس** - نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) ماده ۴ قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۴ - مقررات قانون ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ بقوت خود باقی است

**نایب رئیس** - نظری نیست؟ (اظهاری

نشد) ماده ۵ - کلمه فلات قاره مستعمل در این قانون همان معنی را داراست که از کلمات مصطلح Plateau Continental و Continental Shelf مستفاد میگردد

**نایب رئیس** - آقای پارسا توضیحی دارید بفرمائید

**پارسا** - عرض کنم ما قانونی داریم در سال ۱۳۱۳ که در آنجا گفته میشود که تا شش میل دریائی از ساحل ایران منابع کف دریا و زیر دریا متعلق بایران است حالا ما آمده ایم پلاتو کتینانثال فلات قاره را ما قبول میکنیم با ذکر اینکه قانون قبل هم معتبر است حالا عرضش با آن قانون قبلی چیست؟ عرض کنم در این فلات قاره ای نوشته شده فلات قاره یعنی امتداد آن کشور تا عمیق ترین نقطه دریا بنده مثال میآورم اگر شما عمیق ترین نقطه دریا را در خلیج فارس بگیریم مثلاً میشود ۱۲۰ میل بحری دولت ایران میگوید منابعی که تا آن ۱۲۰ میل هست آنهم متعلق بدولت ایران است چه منابع کف دریا چه منابع زیر دریا که از ساحل ایران خاکی که میروند زیر دریا تا عمیق ترین نقطه ای که در دریا هست منابع زیر دریا و کف دریا متعلق بایران است در هر صورت آن شش میل معتبر هست مخصوصاً ماده ای ذکر شده است که قانون ۱۳۱۳ بقوت خودش باقی است

**نایب رئیس** - بنابراین اگر نظری نیست شور اول را تمام شده تلقی کنیم و برود بکمیسیون برای شور دوم (صحیح است)

(۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

**نایب رئیس** - برای اینکه کمیسیون بودجه بتواند لایحه دو دوازدهم را بگذراند که برای جلسه یکشنبه حاضر باشد با اجازه آقایان جلسه را ختم میکنیم (صحیح است) پس ختم جلسه را اعلام میکنم جلسه آینده صبح یکشنبه ساعت نه و ربع دستور لایحه دو دوازدهم (مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

**نایب رئیس مجلس شورای ملی**  
**احمد رضوی**